

دانش چندفرهنگی و ارتقای سبک زندگی در ایران

علی رضا صادقی^۱

چکیده

این مقاله ویژگی‌ها و الزامات آموزش مهارت‌های زیست چندفرهنگی، ارتباط میان این رویکرد با بهبود سبک زندگی بویژه با تأکید بر فضای چندفرهنگی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. اعضای جامعه چندفرهنگی باید تصویر روشن و واقعی از افراد و فرهنگ‌های مختلف آن داشته و قضاوت افراد نسبت به فرهنگ‌ها و قومیت‌ها به دور از پیش‌داوری باشد. زمینه‌ساز این مهم، افزایش دانش چندفرهنگی است. بر این اساس، تا زمانی که در یک جامعه چند فرهنگی، به ارزش‌های چندفرهنگی، توجه کافی نشود، نیل به اهداف چندفرهنگی نیز با چالش مواجه خواهد شد. رویکرد چندفرهنگی، چهارچوبی را فراهم می‌آورد تا به واسطه آن، تجربیات، میراث، زبان و ... افراد و گروه‌ها با در نظر گرفتن کلیه سوابق فرهنگی و اجتماعی‌شان، با ارزش‌شمرده شده تا بتوان براساس آن زیست مسالمت‌آمیز را برای تمامی گروه‌های موجود در جامعه فراهم آورد. در واقع هدف اساسی رویکرد چندفرهنگی، ارتقاء سبک زندگی صلح‌جویانه و همزیستی‌پایدار در میان افراد و گروه‌هاست. این مقاله کوشیده است ضمن تبیین مشروح اهداف رویکرد چندفرهنگی، راهکارهای ارتقاء سبک زندگی را از طریق آموزش‌های غیررسمی و رسمی در جامعه امروز ایران استدلال نماید. آنچه که این مقاله در نظر دارد بدان توجه بیشتری نماید، بررسی ظرفیت‌سازی و جریان‌سازی آموزش‌های غیررسمی برای ارتقاء سبک زندگی چندفرهنگی به موازات آموزش‌های رسمی در جامعه کنونی ایران است.

واژگان کلیدی: چند فرهنگی، سبک زندگی چندفرهنگی، آموزش‌های غیر رسمی و

رسمی.

مقدمه

ایران یک جامعه چندفرهنگی است. یافته‌های باستان‌شناسی و تاریخی نشان می‌دهد که از هزاران سال پیش به این سو همواره اقوام و فرهنگ‌های مختلف در آن می‌زیسته‌اند. به طوری که در هزاره پیش از میلاد و قبل از ورود اقوام آریایی به این سرزمین، دست کم سیزده قوم متفاوت به طور همزمان در آن زندگی می‌کرده‌اند که آگاهی چندانی از زبان و فرهنگ آنها در دست نیست (دلآوری، ۱۳۹۰). با تغییر و تحولاتی که در شرایط جغرافیایی و حد و مرزهای این سرزمین به وجود آمده است، طبعاً ترکیب فرهنگی و قومی آن نیز به مرور زمان دستخوش تغییرات شده است. اما واقعیات، همچنان از وجود تنوع قومی و فرهنگی در این سرزمین حکایت می‌کند.

حضور و زندگی قومیت‌های مختلفی همچون فارس‌ها، ترک‌ها، کردها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها و لرها در کنار یکدیگر (مقصودی، ۱۳۷۲، ص ۴۵) و نیز تکلم به زبان‌های فارسی، ترکی، کردی، لری، ترکمنی، عربی، بلوچی، طالشی، تاتی، لکی، ارمنی و وجود لهجه‌های مختلف در برخی از زبان‌ها خود نمود دیگری از وجود تنوعی از قومیت‌ها و فرهنگ‌ها در ایران کنونی است. اما به نظر می‌رسد هنوز این جامعه حائز دانش مورد نیاز و ارزش‌های مطلوب چندفرهنگی نشده است. با نگاهی به برخی قضاوت‌ها و رفتارهای رایج در میان برخی از افراد و اقوام ایرانی نسبت به یکدیگر که توأم با پیش‌داوری است، می‌توان این موضوع را به روشنی دریافت. شاید یکی از دلایل مهمی که موجب این امر شده است، فقدان دانش و نگرش مثبت چندفرهنگی در میان جامعه ایرانی است.

زیست در یک جامعه چندفرهنگی، مهارت زیست چندفرهنگی لازم دارد و برای کسب مهارت‌های چندفرهنگی بایستی حائز دانش چندفرهنگی بود. دانشی که فقر آن کم و بیش در میان عموم افراد و حتی در میان تحصیل‌کردگان و روشنفکران جامعه نیز مشاهده می‌شود. نگاه کاهش‌گرایانه نسبت به اقوام، وجود جوک‌های فراوان بویژه در خصوص اقوام تأثیرگذار ایرانی، گواه این ماجراست. نتایج تحقیقات انجام شده در این خصوص حاکی از فقر دانشی و

در پی آن فقر نگرشی است. به عنوان نمونه، فیاض و ایمانی قوشچی (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان: «بررسی نمادهای هویت ملی در کتاب‌های درسی تاریخ و علوم اجتماعی دوره متوسطه رشته‌های علوم انسانی، تجربی و ریاضی فیزیک» به این نتیجه رسیده‌اند که نماد قومیت و مؤلفه‌های مربوط به فرهنگ، در کتب مورد بررسی بروز و ظهور مناسبی نداشته است. به طوری که نماد قومیت و مؤلفه‌های مربوط به فرهنگ به ترتیب دارای کمترین فراوانی گزارش شده است. یافته‌های حسین بر (۱۳۸۶) نشان می‌دهد ارتباط میان برخی اقوام کشور با یکدیگر بسیار ضعیف است. به طور مثال اقوام آذری، بلوچ، طالش و عرب تقریباً اطلاعات مؤثری از همدیگر نداشته و به همین سبب ارتباط زیادی نیز با یکدیگر برقرار نمی‌کنند. به عبارت دیگر عام‌گرایی فرهنگی میان قومی، در میان اقوام ایرانی نامتقارن است. به نظر می‌رسد این امر به سبب آشنایی اندکی است که اقوام‌ها و فرهنگ‌های ایرانی از یکدیگر دارند. شاید یکی از دلایل آن عدم توجه آموزش‌های غیر رسمی از یک سو و آموزش‌های رسمی از سوی دیگر است.

چیستی چندفرهنگی و اهداف آن

همان طوری که در مقدمه بحث نیز آمد، هدف اساسی رویکرد چندفرهنگی، ایجاد وفاق و اتحاد است نه افتراق و انتزاع. برخلاف باور عمومی، چندفرهنگی خواهان «هرج و مرج» و جامعه «بدون نظم» نیست، بلکه خواهان زندگی مسالمت آمیز و همکاری میان فرهنگ‌های مختلف است. در حالی که هدف اساسی رویکرد چندفرهنگی استقرار برنامه‌ای است که سعی دارد روش‌های زیست مسالمت آمیز توأم با صلح را در میان همه فرهنگ‌ها و قومیت‌ها گسترش دهد. در مجموع اهداف اساسی و مهم چندفرهنگی اغلب مشخص و معین هستند. اما برخی آن را بسیط و برخی خلاصه‌تر بیان نموده‌اند. از میان این صاحب نظران، دیوید من^۱ (۱۹۹۷) اهداف این رویکرد را به موارد اساسی زیر محدود می‌کند: برابری آموزشی، دانش گسترده درباره گروه‌های مختلف قومی و فرهنگی و درک مفاهیم بین فرهنگی، بین گروهی،

فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی

بین قومی در کلاس، مدرسه و جامعه. به نظر میشل^۱ (۲۰۰۳) ارائه برنامه‌های چند فرهنگی حداقل به سبب برآورده ساختن چهار هدف زیر صورت می‌گیرد: الف) برای درمان نژاد پرستی در برنامه های درسی؛ ب) برای ایجاد تفاهم بین گروه‌های نژادی و ارج نهادن به فرهنگ‌های مختلف؛ ج) برای خنثی کردن تنش‌ها و تعارضات درون گروهی؛ د) تلفیق و مرتبط ساختن برنامه‌های درسی با تجارب و سنت‌های فرهنگی افراد و گروه‌های مختلف قومی و نژادی.

بنکس^۲ (۲۰۰۶) یکی از پیشگامان رویکرد چندفرهنگی، آن را یک دیدگاه پیشرو برای آموزش و پرورش در حال تحول می‌داند که بر پایه آرمان‌های عدالت اجتماعی، برابری فرصت‌های آموزشی، به حداکثر رساندن توانمندی یادگیرندگان استوار بوده و به طور کل نگران کاستی‌ها، شکست‌ها و اعمال تبعیض‌گرایانه‌ای است که در جامعه جهانی وجود دارد. وی هدف اصلی آن را تأثیر بر تغییرات اجتماعی و راه رسیدن به این هدف را فرایندی و در بردارنده سه نوع تغییر می‌داند؛ ایجاد تغییر در خود، ایجاد تغییر در نحوه آموزش، ایجاد تغییر در جامعه.

گی^۳ (۲۰۰۶) اهداف چند فرهنگی را میسوط تر از دیگران بیان کرده و در پنج خوشه کلی طبقه بندی کرده است. این خوشه ها عبارتند از: «شایستگی‌های اجتماعی چند فرهنگی»، «توسعه سواد قومی و فرهنگی»، «تبیین نگرش و ارزش‌ها»، «توانمندی در مهارت‌های اصلی» و «بهبودی فردی برای اصلاح اجتماعی». در ادامه، هر کدام از خوشه‌های مورد اشاره به تفکیک مورد بررسی بیشتر قرار می‌گیرند.

۱) شایستگی‌های اجتماعی چند فرهنگی^۴: جهان به طور فزاینده متنوع، رقابتی و در عین حال به هم وابسته تر می‌شود. از سوی دیگر، جامعه افراد را برای عملکرد اثربخش در زمینه‌های چندفرهنگی و محیط‌های متفاوت قومی، نژادی و فرهنگی به قدر کافی آماده نمی‌کند. بدین

-
1. Mishel
 2. Banks
 3. Gay
 4. multicultural social competence

لحاظ، ضرورت دارد که افراد یاد بگیرند با دیگر افراد دارای تفاوت‌های قومی و فرهنگی و نژادی، تعامل درستی داشته باشند. در تعاملات بین فرهنگی اغلب باپیش داوری‌ها، پنداشت‌های فرهنگی منفی و تلاش برای تحمیل قوانین آداب و رسوم یک نظام فرهنگی بر نظام فرهنگی دیگر مواجه هستیم که نتایج حاصل از این‌ها، اغلب بر یأس‌ها، اضطراب‌ها، ترس‌ها، ناکامی‌ها و خصومت‌های میان گروه‌های نژادی و قومی می‌افزاید. آموزش چند فرهنگی می‌تواند این تنش‌ها را از طریق آموزش مهارت‌های مربوط به ارتباط میان فرهنگی، روابط بین فردی، تحمل دیدگاه‌های متفاوت و درک دیدگاه‌های دیگر کاهش دهد. همچنین به افراد کمک می‌کند یاد بگیرند بدون قضاوت‌های ارزشی شتابزده و خودسرانه در برابر ارزش ذاتی تفاوت‌های فرهنگی، آن‌ها را درک کنند.

۲) توسعه سواد قومی و فرهنگی^۱: یکی از اهداف اساسی جنبش کثرت‌گرایی فرهنگی یادگیری پیش‌زمینه‌های فرهنگی، زبان، خصوصیات فرهنگی، تأثیرات، رویدادهای مهم، افراد برجسته و اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گروه‌های مختلف اکثریت و اقلیت قومی است. این اطلاعات باید فراگیر، تحلیلی و تطبیقی بوده و باید شباهت‌ها و تفاوت‌های درون و میان گروه‌ها را در بر بگیرد. اشتباه رایج متولیان سیاسی جامعه بر این است که تصور می‌کنند اعضای گروه‌های اقلیت قومی، فرهنگ و تاریخ خود را به خوبی می‌شناسند. رویکرد چندفرهنگی عکس آن را می‌گوید. عضویت در یک گروه قومی، داشتن دانش و آگاهی نسبت به خود یا داشتن دانش فراگیر در باره گروه را تضمین نمی‌کند. کسب دانش درباره تاریخ، زندگی و فرهنگ گروه قومی برای همه افراد یک جامعه شایسته است. زیرا آنان نیاز دارند با دقت زیاد راجع به میراث فرهنگی خود و میراث فرهنگی دیگران، مطالب بیشتری یاد بگیرند. علاوه بر این دانش درباره کثرت‌گرایی قومی شالوده‌ای ضروری برای احترام، قدردانی، ارزش قایل شدن و تحسین کردن تنوع هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی به شمار می‌آید.

1. ethnic and cultural literacy

۳) تبیین نگرش‌ها و ارزش‌ها: هم اکنون تعصب شدید قومی و ارزش‌های قوم پرستانه در جامعه جهانی وجود دارد که برگرفته و مبتنی بر باورهای است که هیچ مبنایی در واقعیت ندارند، ولی عموماً زنده هستند. گی (۲۰۰۶) چندین نمونه از این نکته را از کشور آمریکا نقل می‌کند؛ نرخ بالای بیکاری در میان امریکاییان افریقایی تبار، پورتوریکویی، مکزیکی و سرخپوستان آمریکایی، مردم را به این باور سوق می‌دهد که این گروه‌ها تنبل بوده و اخلاق حرفه‌ای کمتری دارند. کنترل اکثر مؤسسات عمده و مشاغل دارای قدرت توسط امریکاییان اروپایی تبار مردم را به این گمان می‌اندازد که این مشاغل بدین علت در اختیار امریکاییان اروپایی تبار هستند که توفیق فکری ذاتی داشته و تقدیرشان این است که رهبر باشند. اهمیت و برجستگی مهاجرین جدید و اعضای گروه‌های نژادی در مشاغل سطح پایین خدماتی، برخی افراد را به این نتیجه‌گیری رسانده است که وضع اقتصادی آن‌ها مترادف با ارزش انسانی شان است و آن‌ها مطابق آن عمل می‌کنند. گمان می‌رود امریکاییان آسیایی تبار خیلی متفکر هستند به این علت که امریکاییان ژاپنی و چینی تبار اغلب بر اساس معیارهای انتخابی برای توانایی فکری، عملکرد خوبی را از خود به نمایش گذاشته‌اند. تمایل برای نسبت دادن خصوصیات و رفتارهای افراد به کل گروه قومی که متعلق به آن هستند، مبنایی برای زنده نگه داشتن کلیشه‌ها، تعصب‌ها و نژاد پرستی محسوب می‌شود. رویکرد چند فرهنگی ارزش‌های اصلی را که از اصول عزت انسانی، عدالت، برابری، آزادی، استقلال فردی و دموکراسی ناشی می‌شوند، ارتقاء می‌دهد. قصد بر این است که به افراد یاد داده شود تا به کثرت‌گرایی قومی احترام گذاشته و از آن استقبال کنند و در عین حال بدانند که تفاوت‌های فرهنگی با ناکارآمدی‌ها و حقارت‌ها مترادف نیست. همچنین تشریح نگرش‌ها و ارزش‌های قومی به این منظور طراحی شده است که به افراد کمک گردد تا بدانند که تعارض برخی ارزش‌ها در جوامعی که از لحاظ قومی و نژادی متکثر هستند، اجتناب ناپذیر بوده و اگر تعارضات به خوبی مدیریت گردند، نه تنها مخرب و تفرقه‌انگیز نبوده، بلکه می‌توانند پیشرفت جامعه را قوت بخشند.

۴) بهبودی فردی برای اصلاح اجتماعی^۱: رویکرد چندفرهنگی در صدد است فرایند تغییر و بهبود را از فرد به مدارس و در نهایت به جامعه خود تسری دهد. این هدف از طریق پرورش نگرش‌ها، ارزش‌ها، عادات و مهارت‌ها در دانش آموزان اتفاق خواهد افتاد به طوری که به منظور ریشه کن کردن اختلافات قومی و نژادی و تبدیل آن‌ها به فرصت متعهد شوند تا جامعه را اصلاح کرده و نسبت به این تعهد علاقه مند باشند. برای این منظور، دانش آموزان باید دانش خود را در باره مسایل قومی بهبود بخشیده و توانایی‌های تصمیم‌گیری، مهارت‌های عمل اجتماعی، استعدادهای رهبری، حس اثربخشی سیاسی و تعهد اخلاقی برای عزت انسانی و برابری را در خود ایجاد کنند. یعنی آنان نه تنها باید درک کرده و بدانند چرا تکثر قومی و فرهنگی مشخصه‌های برجسته حیات انسان است، بلکه باید بتوانند این دانش را در تصمیم‌ها و اعمال مهم اجتماعی - سیاسی خود به کار گیرند. این هدف و ایجاد مهارت مربوط به آن بدین منظور طراحی شده‌اند که جامعه را واقعاً مساوات طلب و پذیرنده تکثر فرهنگی بکنند.

چندفرهنگی از نگاه اسناد بالادستی کشور

این بخش از مقاله سعی دارد با کنکاش و بررسی برخی از قوانین مهم و اسناد بالادستی کشور تبیین نماید که رویکرد چندفرهنگی به تناسب و به دفعات مختلف در اسناد مختلف بالادستی کشور مورد توجه قرار گرفته است و نه تنها در این خصوص با مشکل و یا با محدودیت قانونی مواجه نیستیم بلکه به نوعی با الزام قانونی نیز مواجهیم. به عنوان مثال در اصول مختلف «قانون اساسی»، «مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی» و همین‌طور در «سند چشم‌انداز توسعه بیست ساله ایران ۱۴۰۴» به بخش اعظمی از ابعاد مهم رویکرد چندفرهنگی تأکید شده است. در این جا به بررسی اسناد یاد شده، از حیث رویکرد چندفرهنگی می‌پردازیم.

۱) قانون اساسی: با مروری بر اصول مختلف قانون اساسی می‌توان به روشنی نگاه چند فرهنگی را در این سند بالادستی ملاحظه نمود. به طوری که اصول نوزده، پانزده، چهارده،

1. empowerment for societal reform

فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی

سیزده و دوازدهم قانون اساسی به ترتیب با بیشترین تأکید، به موضوع چند فرهنگی پرداخته و آن را تبیین نموده‌اند. اصل نوزده قانون اساسی^۱ به برابری قومی و نژادی اشاره و همه افراد را از حقوق مساوی برخوردار دانسته و تأکید می‌کند که هیچ کدام از ویژگی‌های یادشده، سبب امتیاز نیست. در اصل پانزده^۲ توجه به زبان‌های محلی و قومی مورد توجه قرار گرفته است. رعایت حقوق همه آحاد جامعه، آزادی در اجرای مناسک دینی و رعایت اخلاق حسنه و عدالت در مواجهه با دیگر مذاهب و ادیان دیگر از جمله مواردی است که قانون اساسی ایران در اصول چهاردهم، سیزدهم و دوازدهم^۳ به آنها تأکید داشته است. همان طوری که ملاحظه می‌شود، نص صریح اصول یاد شده قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حکایت از به رسمیت شناختن موضوع چند فرهنگی از یک سو و الزام افراد و نهادها نسبت به رعایت این موضوع، از سوی دیگر دارد.

۲) سند چشم انداز توسعه بیست ساله کشور ایران در سال ۱۴۰۴: سند چشم انداز توسعه بیست ساله ایران به عنوان یکی دیگر از اسناد بالادستی کشور، موضوع توجه به «حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها»، «ایجاد فرصت‌های برابر و به دور از تبعیض»، «عدالت اجتماعی و آزادی‌های

۱- مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.
 ۲- زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.
 ۳- اصل چهاردهم؛ به حکم آیه شریفه «لا ینهاکم الله عن الدین لم یقاتلکم فی الدین و لم یخرجکم من دینکم ان تبروه و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطیه و اقدام نکنند. اصل سیزدهم؛ ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیتهای دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند. اصل دوازدهم؛ دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی‌الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل هستند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصی (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاهها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب.

مشروع را به عنوان بخشی از اهداف خود مطرح نموده است. همان طوری که ملاحظه می‌شود، اهداف یاد شده، امروزه به عنوان بخشی از اهداف چند فرهنگي نیز مطرح می‌باشند که در این سند به روشنی به آنها تأکید شده است.

۳) مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی: مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی به منزله قانون، در همه عرصه‌های فرهنگی و تربیتی جمهوری اسلامی ایران ساری و جاری است. این نهاد سیاست‌گذار در عرصه فرهنگ و تعلیم و تربیت، در مصوبه پانصد و هفتاد و نهمین جلسه مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۱۶ خود - نظر به اهمیت تاریخ تمدن و فرهنگ ایران و اسلام - وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش و دانشگاه آزاد اسلامی را موظف نموده است خلاصه‌ای از تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران را در متن کتب درسی کلیه رشته‌های تحصیلی متناسب با موضوع آن بگنجانند. جالب این که یکی از راهبردهای پیشنهادی متخصصان برنامه درسی چندفرهنگی برای استقرار رویکرد چندفرهنگی، گنجاندن درس «تاریخ، فرهنگ و تمدن اقوام و فرهنگ‌ها» در برنامه‌های درسی رسمی است که این امر در مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز به روشنی تصریح شده است.

راهکارهای ارتقاء سبک زندگی چندفرهنگی در ایران

برای تحقق اهداف و نیز ارتقاء سبک زندگی چندفرهنگی در ایران، بایستی راهکارهای مناسبی را پیش بینی نمود. به نظر می‌رسد، مهمترین سازوکار «آگاهی بخشی» و «ارتقاء سواد چند فرهنگی» است. این امر از دو طریق مستقل و در عین حال وابسته به هم قابل انجام است. الف) از طریق آموزش‌های غیر رسمی؛ ب) از طریق آموزش‌های رسمی.

الف) از طریق آموزش‌های غیر رسمی: در نگاه اول، ممکن است اغلب افراد، آموزش‌های رسمی را مسیر بهتری برای تحقق این امر قلمداد نمایند. اما نگارنده، اثر آموزش‌های غیررسمی را، اگر بیش از آموزش‌های رسمی قلمداد نکند، دست کم به اندازه آموزش‌های رسمی، فرض می‌کند. دلیل این امر را نیز شاید در تأثیرگذاری شگرف آموزش‌های مراجع و منابع غیررسمی

فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی

در نهاد سازی و نهادینه سازی پدیده‌های اجتماعی در مقایسه با آموزش‌های رسمی، به ویژه در کشور ایران جستجو نمود. براساس این ادعا، در ایران مراجع و منابع غیررسمی در عین غیررسمی بودن از میزان تأثیرگذاری بیشتری برخوردار هستند. نهاد دین، روحانیت، مساجد، تربیون‌های نمازجمعه و مواردی از این دست از یک سو و رسانه‌ها، به ویژه رسانه‌های دیداری و شنیداری از سوی دیگر می‌توانند از جمله این نهادهای غیررسمی تلقی گردند که آموزش‌های غیررسمی آنها به مراتب در فضای خاص دینی- اجتماعی ایران بیش از آموزش‌های رسمی تأثیرگذار هستند. این امر به معنی عدم عاملیت و تأثیرگذاری آموزش‌های رسمی بر روی پدیده‌های مختلف نیست. بلکه غرض، تبیین وضعیت خاص جامعه ایرانی است که از منابع غیر رسمی بیش از منابع رسمی آموزش و تأثیر می‌پذیرد که مهمترین آنها در وهله نخست «گفتار و کردار افراد تأثیرگذار جامعه، بویژه عالمان دینی» از یک سو و «آموزش‌های رسانه‌ای» از سوی دیگر است.

در خصوص نحوه تأثیرگذاری نهاد دین و عالمان دینی در خصوص ترویج محاسن زیست چند فرهنگی بایستی خاطر نشان ساخت که با توجه به گستردگی جمعیتی و میزان تأثیر پذیری عموم مردم از عالمان دینی و روحانیون، این قشر می‌تواند مروج مناسبی برای رویکرد چند فرهنگی باشند. در این میان استناد به مبانی و منابع دینی^۱ و قانونی^۲ در خصوص به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی و زیست مسالمت آمیز فرهنگ‌ها، بیش از پیش می‌تواند سبک زندگی چندفرهنگی را در جامعه ایرانی ارتقاء بخشد.

در خصوص «رسانه‌ها» نیز تا حدودی این امر صادق است. هویت سازی‌هایی که رسانه‌ها در خصوص فرهنگ‌ها و اقوام ایرانی می‌توانند شکل دهند، تا حدود زیادی می‌تواند پیش فرض‌ها و پیش داوری‌های نامطلوب در خصوص اقوام و فرهنگ‌ها را تصحیح نموده و

۱- احترام به اقوام و فرهنگ‌ها در آیات و سوره‌های مختلف مورد خاطر نشان واقع شده است که نمونه بارز آن آیه سیزده سوره شعراست.

۲- پذیرش رویکرد چندفرهنگی در اسناد مختلف کشور به وضوح آمده است، که بخشی از آنها در همین مقاله بدان اشاره شد.

بازنمایی مناسبی از اقوام و فرهنگ‌های ایرانی بجای گذارد. بدین جهت اتخاذ مکانیسم‌های مناسب همچون؛ شناساندن فرهنگ‌های متنوع ایرانی، بازنمایی‌های مقبول از نمایندگان اقوام و فرهنگ‌ها در فیلم‌ها و سریال‌ها، معرفی افراد تأثیرگذار و میزان کمک اقوام و فرهنگ‌های ایرانی در شکل‌گیری هویت ملی، می‌تواند احترام به تنوع فرهنگی را بیش از پیش افزونتر سازد.

ب) از طریق آموزش‌های رسمی: جریان‌سازی و فرهنگ‌سازی یک پدیده، نیاز به مداومت و پیگیری مناسب دارد. به نظر می‌رسد این نقش را آموزش‌های رسمی می‌توانند به خوبی ایفا نمایند. البته این نوع آموزش‌ها هم بایستی در سطح «مدرسه» و در سطح «دانشگاه» مورد توجه قرار گیرد. در این راستا برای ارتقاء سبک زندگی چندفرهنگی در سطح آموزش‌های رسمی راهبردهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. طراحی برنامه‌های درسی با رویکرد چندفرهنگی: برای طراحی برنامه‌های درسی با رویکرد چندفرهنگی ضروری است ابتدا متولیان برنامه درسی با بررسی دقیق همه مواد درسی موجود اعم از مکتوب و غیر مکتوب، از نظر داشتن تعصب، نژادپرستی، قوم پرستی، حذف‌ها و تحریف‌ها آنها را پالایش نموده و با اطلاعات صحیح و معتبر جایگزین نمایند.

۲. آموزش معلمان و مدرسان با رویکرد چندفرهنگی: یکی از عمده‌ترین چالش‌هایی که امروزه مراکز آموزشی با آن روبروست، عدم اطلاع معلمان و مدرسان با مفاهیم، اصول و اهداف آموزش چندفرهنگی است. برخی از معلمان و اساتید به ارزش‌های این رویکرد و نقش آن در توسعه مهارت‌های زیست چندفرهنگی آگاهی کافی نداشته و یا برخی از آنها حتی تفاوت‌های قومی و فرهنگی را نمی‌پذیرند و یا ممکن است درباره توانایی و خصوصیات افراد دارای زمینه‌های فرهنگی متفاوت، پیش از این که آنان را دیده یا شناخته باشند، قضاوت شتابزده منفی کنند (Noel, 2000). در همین راستا اعمال رفتارهایی همچون تحقیر دانش‌آموزان و دانشجویان متعلق به فرهنگ و یا اقوام متفاوت نمونه بارزی است که در برخی از کلاس‌ها

فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی

شاهد آن هستیم. نقطه شروع ارتقاء سبک زندگی چندفرهنگی، آموزش معلمان و مدرسانی است که می توانند با اتخاذ منش چندفرهنگی مناسب، این امر را در میان قشر عظیم مخاطبان خود نهادینه سازند.

۳. محیط مدرسه و دانشگاه: ایجاد محیط آموزشی که مظهر احترام به همه اشکال تنوع فرهنگی باشد، برای ارتقاء سبک زندگی چندفرهنگی تأثیرگذار است. برای این کار سازوکارهای مختلفی را می توان اتخاذ نمود. مشارکت دادن واقعی همه فراگیران در برنامه های مدرسه و دانشگاه، نامگذاری برخی از روزها به نام یک قوم و فرهنگ خاص، اجرای نمایشگاه از محصولات فرهنگی و هنری و ... از جمله مواردی است که می تواند هم سطح سواد چندفرهنگی افراد و هم حس احترام و قدردانی نسبت به فرهنگ ها را ارتقاء بخشد.

۴. ارائه درس «آموزش چندفرهنگی» در برنامه های درسی رسمی: یکی از مناسب ترین روش های سهل و الوصولی که می تواند نگرش افراد را نسبت به پدیده چندفرهنگی، ترمیم و اصلاح نماید، ارائه درسی است که چپستی، اهداف و اصول زیست چندفرهنگی در آن انعکاس یابد. این درس می تواند براساس سازماندهی عمودی محتوا هم در دوره تحصیلات مدرسه ای و هم در دوره تحصیلات دانشگاهی مدنظر قرار گیرد.

۵. ارائه درس «تاریخ اقوام و فرهنگ های ایرانی» در جهت اجرای مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی: معرفی بدون تحلیل سلسله مراتبی تاریخی، میراث و فرهنگ های متنوع ایرانی از طریق ارائه برنامه درسی با همین عنوان و یا با عناوین مشابه دیگر در کنار دروس عمومی دانشگاه ها تا اندازه زیادی می تواند سواد چندفرهنگی دانشجویان را ارتقاء بخشد. با انجام این امر آگاهی دانشجویان از ذخایر فرهنگی فرهنگ های دیگر افزایش پیدا کرده و به نوبه خود می تواند از رویکرد پیشداورانه افراد نسبت به اقوام و فرهنگ های دیگر جلوگیری و حس تحسین را در میان افراد، برانگیخته سازد.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه بیان شد، علیرغم وجود قوانین بالادستی در خصوص جهت گیری چندفرهنگی، مهارت های زیست چندفرهنگی در ایران هنوز با فقر دانشی و نگرشی روبروست. برای رفع این مسأله، در این مقاله کوشش شد ابتدا ابعاد و اهمیت سیاست چندفرهنگی مورد واکاوی قرار گیرد. سپس با بررسی اسناد مهم و بالادستی کشور تبیین گردید که ایران به لحاظ قانونی دارای بسترهای مناسب جهت اجرای سیاست های چندفرهنگی است و این ضرورت به جهت وجود واقعیت تنوع قومی و فرهنگی ایران اهمیتی مضاعف می یابد. در ادامه مقاله تلاش شد با ارائه راهکارها و راهبردهای نسبتاً عملیاتی بتوان سبک زندگی چندفرهنگی را تا حدودی ارتقاء بخشید. برای این امر سازوکار «آگاهی بخشی و ارتقاء سواد قومی و فرهنگی» پیشنهاد شد که این بخش هم شامل آموزش های غیر رسمی و نیز آموزش های رسمی می شود. در خصوص آموزش های غیر رسمی وجود «نهاد دین و روحانیت» از یک سو و استفاده از «رسانه ها» بویژه استفاده از فیلم ها و سریال ها در ترویج سبک زندگی چندفرهنگی مورد تأکید قرار گرفت. در آموزش های رسمی نیز پنج راهبرد مشخص و نسبتاً عملیاتی هم برای آموزش های مدرسه ای و هم دانشگاهی پیشنهاد شد. در پایان مقاله بر این نکته تأکید شد که جامعه کنونی ایران به لحاظ تأثیرپذیری از نهاد دین و روحانیت، بایستی به ترویج سبک زندگی چندفرهنگی در این بخش، اهمیت بیشتری قائل شود.

منابع فارسی

- حسین بر، محمدعثمان. (۱۳۸۶). هویت جمعی و نگرش به دموکراسی در ایران. رساله دکتری منتشر شده رشته جامعه شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- دلاوری، ابوالفضل. (۱۳۹۰). جامعه شناسی تحولات ایران؛ از انقلاب مشروطه تا قیام پانزده خرداد. تهران: نشر پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی

- سند چشم انداز توسعه بیست ساله جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰).
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). مجموعه مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی از بدو تأسیس تا سال ۱۳۸۸. مجلد چاپ نشده.
- فیاض، ایراندخت و ایمانی قوشچی، فریبا. (۱۳۸۹). بررسی نمادهای هویت ملی در کتاب های درسی تاریخ و علوم اجتماعی دوره متوسطه رشته های علوم انسانی، تجربی و ریاضی فیزیک در سال تحصیلی ۱۳۸۹-۱۳۸۸. فصلنامه روان شناسی تربیتی: دانشگاه علامه طباطبائی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰).
- مقصودی، مجتبی. (۱۳۷۲). قومیت ها و نقش آن در تحولات سیاسی سلطنت محمدرضا پهلوی. انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی: تهران.

منابع لاتین

- Banks, J.A. (2006). *Multicultural education for young children: Racial and ethnic attitudes and their modification*. In D. Spodek (ed.), *Handbook of research on the education of young children* (pp. 236-250). New York: Macmillan
- Davidman, L., & Davidman, P. (1997). *Teaching with a multicultural perspective: A practical guide*. New York: Longman.
- Gay, G. (2006). *The importance of multicultural education*. New York: Teachers College Press.
- Mishell W. (2003). *Black children's race awareness, racial attitudes, and self-concept: A reinterpretation*. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 25, 433-441.
- Noel. N. (2000). *Race, Culture, and Education: The Selected Works of James A. Banks*. London & New York: Rutledge